هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

خجسته میلاد پیامبر بزرگ مبارک باد

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و نهم شنبه ۱۷ حوت ۱۳۸۷ - ۱۰- ربیع الاول ۱۴۳۰ - 7 March 2009



استاد برهان الدین ربانی:

ما تصمیم گرفتیم درمورد انتخابات وسایرقضایای عمده ملی مشوره کنیم و تصمیم های مشترک وموضع گیری های واحد داشته باشیم

***

○ حاجی محمد محقق: وظیفه رئیس جمهور دراول جوزای سال پنجم ختم می شود و بعد از آن مشروعیت ندارد

***

○ داکتر عبدالله عبدالله: حکومت به صورت قصدی وعمدی هیچ کاری را برای برگزاری به موقع انتخابات انجام نداده است

***

○ اشرف غنی احمدزی: اگر رئیس جمهور خواب نمی بودند، ما امروز این مشکل را نمی داشتیم

***

○ انوار الحق احدی: رئیس جمهور تاریخ عملی شدن انتخابات را پیش از پایان دوره کاری خود عمداً ناممکن وغیرعملی ساختند

ص۳

استفن هارپر و پیروزی جنگ در افغانستان

ص۲

انتخابات در ۲۹ اسد برگزار خواهد شد



کمیسیون انتخابات افغانستان، با رد فرمان حامد کرزی، رییس جمهور در مورد برگزاری انتخابات در بهار سال آینده، تاریخ برگزاری انتخابات را ۲۹ اسد اعلام کرد.

حامد کرزی، به تاریخ ۱۱ حوت با صدور فرمانی، به کمیسیون انتخابات وظیفه داد تا انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شوراهای ولایتی و شورای های ولسوالی ها را براساس قانون اساسی، در بهار سال آینده برگزار کند.

این تصمیم با مخالفت های زیادی از سوی احزاب و گروه های سیاسی در داخل و کشورهای خارجی از جمله آمریکا، بریتانیا و سازمان ملل متحد روبرو شد.

کمیسیون انتخابات اعلام کرد عملی کردن فرمان آقای کرزی ممکن نیست.

عزیز الله لودین، رئیس کمیسیون انتخابات افغانستان، در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: ما فرمان رئیس جمهور را **ادامه درص۳**

به پیشواز میلاد تو

ص۶

صلیب سرخ از تلفات غیرنظامیان در افغانستان نگران است

مقامات کمیته بین المللی صلیب سرخ در افغانستان می گویند در مورد تلفات غیرنظامیان در افغانستان نگرانی دارند و به منظور جلوگیری از این تلفات با فرماندهان ناتو و نماینده گروه طالبان گفتگو کرده اند.

پییر کراهنبول رئیس بخش اجرایی این کمیته که به کابل آمده، در یک نشست خبری از افزایش درگیری های مسلحانه و بمبگذاری ها در افغانستان در سال ۲۰۰۹ ابراز نگرانی کرده گفته است به منظور جلوگیری از تلفات غیرنظامیان با ژنرال دیوید مکرنن، فرمانده کل ناتو در افغانستان، مذاکره کرده است. او گفته است: با ژنرال مکرنن، نگرانی کمیتهٔ صلیب سرخ نسبت به تلفات افراد غیرنظامی در جریان نبردها را اظهار نموده تأکید کرده است که باید میان افراد جنگجو و افراد غیرنظامی، تفاوت قایل شد و در هنگام جراحت و بازداشت شان نیز این دو گروه را از هم متمایز کرد.

آقای کراهنبول می گوید با مخالفان مسلح دولت و گروه طالبان نیز دیدار نموده و این نگرانی را مطرح کرده است. اما او توضیح نداد که با کدام نماینده گروه طالبان، در کجا و چگونه دیدار کرده است.

آقای کراهنبول گفت از طالبان خواسته است تا از دست زدن به حملات انتحاری درمیان غیرنظامیان، ماین گذاری در کنار جاده ها و پرتاب موشک به مناطق مسکونی که تلفات غیرنظامیان را سبب می گردد، خودداری کنند.

به مناسبت میلاد پیامبر بزرگ اسلام

این نور خاموش ناشدنی است

ص ۳

محمد صلي الله عليه وسلم

د رحمت استازى

د اسلام د سپيڅلي دين مبارک دعوت وکولاې شو چې خلک د انسان، شيطان، کاڼي، بوټي، اور، لمر او ستورو له بندگۍ. څخه وژغوري او د کايناتو د يو خالق بندگۍ. ته يې راوبلي، د عربو په پراخه جزيره کې يې د اسلام د مبين دين د تعليماتو په برکت انسان د انسان له غلامۍ. څخه ازاد کړ، ښځو ته يې د هغوې عزت او وقار ور وبخښلو او په ژوندۍ. توگه د انجونو په گور کولو له جاهليت څخه ډک دود او رسم يې مات کړ ۳ مخ



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

باید برای خلای قدرت پس از اول جوزای ۱۳۸۸ راه حلی جستجو شود

پس از قطعی شدن ۲۹ اسد ۱۳۸۸ به عنوان تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ، موضوع خلای قدرت در مدت زمان پس از اول جوزا تا آغاز به کار رئیس جمهور جدید بصورت جدی مطرح شده است.

تمام گروه های سیاسی اتفاق نظر دارند که طبق ماده ٦١ قانون اساسی پس از اول جوزای ۱۳۸۸ مدت کار رئیس جمهور کرزی به پایان می رسد و دیگر ادامه حاکمیت وی پس از آن تاریخ غیر قانونی می باشد.

این گروه ها بدین باورند که ادامهٔ اقتدار آقای کرزی تا زمان برگزاری انتخابات، شفافیت آن را زیر سوال برده، امکان تقلب و اعمال قدرت به نفع رئیس جمهور را افزایش می دهد.

با توجه به این نگرانی و به منظور تأمین شفافیت و عادلانه بودن انتخابات باید راه کار قابل پذیرشی برای این مشکل جستجو شود.

این موضوع در اجلاس چهاردهم حوت که توسط شمار زیادی از احزاب و شخصیتهای سیاسی دایر گردیده بود، با صراحت مطرح شد و در قطع نامه این نشست بازتاب یافت. در این قطع نامه گفته شده است، بخاطر حمایت منافع علیای ملی و تضمین آزاد و عادلانه بودن انتخابات، لازم است تایک دیالوگ ملی برای توافق روی میکانیزم دورهٔ انتقالی از اول جوزای ۱۳۸۷ بدون اتلاف وقت آغاز گردد.

یافتن راه حلی برای پرکردن این خلای قدرت، یکی از چالشهای مهم کشور و گروه های سیاسی می باشد.

اگرچه تاهنوز بحثهای جدی در این زمینه صورت نگرفته است، اما یکی از راه حل ها می تواند این باشد که آقای کرزی تا زمان برگزاری انتخابات در رأس قدرت باقی بماند اما در انتخابات شرکت نکند. البته اشکال این گزینه این است که ممکن است شبکه آقای کرزی که اکنون تمام حکومت را تحت قبضهٔ خویش در آورده با یکی از کاندیدان معامله کند و به نفع وی اعمال نفوذ نماید. از جانب دیگر شاید محروم کردن آقای کرزی از شرکت در انتخیات، برایش خوش آیند نباشد.

برخی بر قراری حالت اضطرار را پشنهاد می کنند، اما هیچ دلیلی برای برقراری حالت اضطرار وجود ندارد، وضیعت کنونی افغانستان حالتی است که از سه، چهارسال بدین سو به همین منوال بوده و تغیرات بی سابقه در وضیعت نظامی و امنیتی کشور رخ نداده است، حالت اضطرار می تواند وضیعت را در کشور بیش از پیش بحرانی سازد و نارضایتی شدیدی در میان مردم و گروه های سیاسی ایجاد کند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جبه ملی، در سخنراتی که در سوم حوت ایراد نمودند، تشکیل یک حکومت مؤقت را پس از اول جوزا پیشنهاد کردند، البته ساختار چنین حکومت و حدود اختیارات و صلاحیتهای آن نیاز مند بحثهای بیشتر است. اما شرایط کلی آن باید این باشد که حکومت مؤقت زمینه برگزاری به موقع، شفاف و آزاد انتخابات را مساعد سازد و اعضای این حکومت حق نامزدی در انتخابات را نداشته باشند.

بدون شک به تأخیر افگندن انتخابات تا ۲۹ اسد، مخالف مادهٔ ٦١ قانون اساسی است، اما اکنون همه گروه های سیاسی بدین باوراند که چاره جزاین وجود ندارد و برگزاری انتخابات قبل از آن ناممکن می باشد.

برگزاری انتخابات در زمان تعین شدهٔ قانون اساسی، که در فرمان اخیر رئیس جمهور ذکر گردیده نمی تواند از مسئولیت رئیس جمهور، قوهٔ اجرائیه و کمیسیون برگزاری انتخابات بکاهد. چون برگزاری انتخابات و تهیه امکانات و شرایط لازم آن، وظیفهٔ حکومت و کمیسیون انتخابات است، که متأسفانه آنها در این زمینه وظیفهٔ خویش را انجام ندادند.

ادامه درص۳

استفن هارپر

و پیروزی جنگ در افغانستان

وحیده مژده

استفن هارپر صدراعظم کانادا در این اواخر در رابطه با افغانستان سخنان تکان دهنده ای ابراز کرد. هارپر روز یکشنبه یازدهم حوت در مصاحبهء اختصاصی با شبکهء تلویزیونی سی ان ان گفت: افغانستان به یک حکومت اصیل مردمی نیاز دارد نه به یک حکومت دست نشاندهء خارجی. فقط چنین حکومتی می تواند به جنگ های داخلی نقطهء پایان بگذارد. ما در این کشور به یک حکومت توانمند نیاز داریم تا با حکومت داری بهتر وضعیت فعلی را کنترول نماید.

هارپر گفت که ممکن نیست شورش و جنگ در افغانستان خاتمه یابد از اینرو کانادا آماده نیست عساکر بیشتر به افغانستان اعزام نماید مگر اینکه راهبرد روشن برای بیرون رفت تعیین نگردد.

هارپر در بخش دیگری از سخنان خود اذعان نمود که ما نمی توانیم با مستقر نمودن عساکر بیشتر در افغانستان برندهء این جنگ گردیم. قضاوت من کاملا روشن است. ما هیچگاه نمی توانیم این شورش را شکست دهیم.

هارپر هرچند در این مصاحبه از اعزام نیروهای بیشتر امریکائی به افغانستان استقبال کرد اما بر عدم آمادگی کانادا برای اعزام نیروی بیشتر به افغانستان تاکید ورزید و گفت اگر رئیس جمهور اوباما از کاناد عساکر بیشتر تقاضا نماید من سوالهای سختی می پرسم تا استراتژی برنده شدن و زمان بازگشت سربازان از افغانستان معلوم گردد.

در گذشته از زبان نظامیان بلند پایهء کانادائی در مورد جنگ در افغانستان شنیده شده بود که این جنگ دهها سال ادامه خواهد یافت و در آن زمان برداشت از این سخنان طوری بود که گویا کاناد آمادگی حضور طولانی مدت در افغانستان را دارد اما بعدا کانادا تاریخ خروج نیروهای خود از افغانستان را سال ۲۰۱۱ تعیین کرد. در این رابطه هم گفته می شد که شاید در آن سال کانادا ماموریت سربازان خود در افغانستان را تمدید نماید، اما سخنان اخیر آقای هارپر نشان از یاس وی از ماموریت کانادا و در مجموع جامعهء جهانی در مبارزه علیه آنچه که تروریسم خوانده شده باشد.

کانادا در افغانستان در چهارچوب ناتو ۲۷۰۰ سرباز دارد که این سربازان در ولایت ناآرام قندهار مستقر اند. در طول سالهای گذشته بیش از یکصد تن از این سربازان در جنگ علیه طالبان جان باخته اند.

سوال اینست که چرا سیاستمداران و دست اندرکاران کشور های غربی هفت سال پس از حمله به افغانستان این مسایل را مطرح می کنند و به اشتباهات خود اعتراف می نمایند؟ بیاد داریم که مدتی قبل وزیرخارجهء انگلستان نیز طی سخنانی گفت که تروریسم یک مفهوم مبهم است و ما نیاز به تعریف جدیدی از تروریسم داریم. اینکه در طول بیش از هفت سال گذشته در جنگ علیه تروریسم صدها هزار انسان در عراق و افغانستان کشته شدند



ما نگران آن بودیم که عملکرد های ناعاقبت اندیشانهء خارجیان موجب تخریب بستر مردم سالاری در افغانستان گردد. امروز وقتی شما از یک افغان در یک روستای دوردست از جنوب افغانستان بپرسید که از کمونیزم چه برداشتی در ذهن دارد، او برای تان از ویرانی و جنگ و کشتار خواهد گفت. ما نگران آن بودیم که وقتی باز هم به روستا ها برویم واز مردم در مورد برداشت شان از دیموکراسی بپرسیم آنها تعریف مشابه از دیموکراسی ارائه نمایند و در کنار مسایلی چون فساد اداری و رشوه، از زندانی شدن های بدون موجب، از پامال شدن حریم خانه ها و از بمباران های کور بعنوان نماد هائی از یک نظام دیموکراتیک سخن بگویند.

تلاشی از جانب غرب برای جنگ علیه یک مبهم بود. وقتی تعریف مورد اتفاق از یک پدیده وجود نداشته باشد، آیا لشکر کشی و جنگ و کشتار بخاطر امحای آن می تواند قابل توجیه باشد؟

از سخنان اخیر صدراعظم کانادا در مورد افغانستان می توان دریافت که وی پس از مطالعهء تاریخ افغانستان به این نتیجه دست یافته است. وقتی می گوید که در افغانستان یک دولت مردمی قابل قبول مردم است نه یک دولت دست نشانده این سخن بوضوح اعتراف به یک اشتباه خیلی بزرگ در طول هفت سال گذشته است.

مجاهدین هرچند در زمان بعد از سرنگونی رژیم نجیب مرتکب اشتباهات شدند اما نمی توان از این حقیقت چشم پوشید که آنها بخش جدائی ناپذیری از مردم این کشور اند. همه آنها استفاده جو و بی توجه به منافع ملی نبودند که باید به نظرات آنان توجه نمی شد. از همان آغاز این تحول سخن مجاهدین این بود که امریکا و غرب در فهم زوایای پنهان و پیچیدهء بحران در افغانستان و از درک احساسات مردم در مورد میزان مداخلهء خارجی در این کشور مشکل دارند. تحمیل دیموکراسی یا هر مکتب سیاسی دیگر هرقدر هم که خوب باشد وقتی با مداخلهء خارجی بصورت همزمان اعمال گردد با مقاومت در این کشور مواجه خواهد شد. تجربهء تحمیل سوسیالیسم از راه زور بر افغانها سه دهه قبل قرین موفقیت نبود وباید به این تجربه های ناکام توجه می شد.

دیموکراسی در کشور های غربی در یک روز ویک ماه ویک سال و ده سال بمیان نیامد. مردم سالاری را دیگران بر اروپا و از راه فشار وارد نکردند. مگر چند دهه قبل در امریکا سیاه پوستی تصور می کرد که به مقام ریاست جمهوری برسد؟ دهها سال لازم بود تا رویای مارتین لوترکنگ در عمل تحقق یابد.

ما نگران آن بودیم که عملکرد های ناعاقبت اندیشانهء خارجیان موجب تخریب بستر مردم سالاری در افغانستان گردد. امروز وقتی شما از یک افغان در یک روستای دوردست از جنوب افغانستان بپرسید که از کمونیزم چه برداشتی در ذهن دارد، او برای تان از ویرانی و جنگ و کشتار خواهد گفت. ما نگران آن بودیم که وقتی باز هم به روستا ها برویم واز مردم در مورد برداشت شان از دیموکراسی بپرسیم آنها تعریف مشابه از دیموکراسی ارائه نمایند و در کنار مسایلی چون فساد اداری و رشوه، از زندانی شدن های بدون موجب، از پامال شدن حریم خانه ها و از بمباران های کور بعنوان نماد هائی از یک نظام دیموکراتیک سخن بگویند.

آقای هارپر از نیاز به حکومت توانمند که توان مقابله با چالش ها را داشته باشد سخن گفت اما سوال اینست که با حضور نیروهای خارجی در یک کشور و بی توجهی آنان به خواست های حکومت، آیا ممکن است تا یک حکومت توانمند بمیان آید؟ مشکل اینست که تا زمانیکه نیروهای خارجی بشکل نیروهای خودسر عمل کنند و حکومت هم توان بازدارنده برای مهار آنان نداشته باشد، چنین حکومتی هرگز قدرتمند نخواهد شد.

هارپر مستقرکردن نیروهای بیشتر را راه حل مشکل افغانستان ندانست. این سخن کاملا درست است و راه حل این مشکل همانگونه که بارها مطرح گردیده توجه به اردوی ملی افغانستان است اما در اینجا باید به یک نکتهء مهم توجه کرد و آن اینکه با حضور نیروهای خارجی در یک کشور نمیتوان به قدرت یافتن نیروهای مسلح داخلی مطمئن بود.

هارپر گفت که نیروی بیشتر به افغانستان نخواهد فرستاد زیرا راهبرد روشنی وجود ندارد. این سخنان به وضوح نشان می دهد که در طول هفت سال گذشته نیروهای خارجی در افغانستان فاقد یک استراتژی روشن برای مبارزه با هراس افگنی بودند. عجیب است که صدراعظم کانادا هم مانند وزیر خارجهء انگلیس زمانی این مسایل را مطرح می کند که هزاران ملیارد دالر صرف مبارزهء ناموفق علیه هراس افگنی در افغانستان وعراق گردیده. حاصل این مصارف بی ثمر بحران اقتصادی ای است که اکنون جهان را به کام خویش کشیده است.



نشست احزاب و رهبران سیاسی

و حمایت از برگزاری انتخابات در۲۹ اسد سال۱۳۸۸خورشیدی

رهبران جبهه ملی وبرخی ازسران احزاب سیاسی وشخصیت های ملی،طی کنفرانسی مشترک به تاریخ ۱۲/۱۴ /۱۳۸۷ ازتعیین ۲۹ اسد برای برگزاری تاریخ انتخابات ازسوی کمیسیون مستقل انتخابات صورت گرفته حمایت نموده فرمان رئیس جمهوررا اغفال کننده وبرخلاف منافع مردم عنوان کردند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جبهه ملی دراین نشست با توضیح هدف نشست احزاب ورهبران سیاسی اظهارداشت: امروزیکی از روزهای تاریخی ومهم کشورماست که احزاب وگروه های سیاسی افغانستان وشماری ازشخصیت های مهم کشوربه خاطر یک مساله حیاتی ملت افغانستان گردهم آمدند.این مساله مهم عبارت از انتخابات وفرمان اخیر رئیس جمهورکشور دراین مورد می باشد.

استادافزود، احزاب وشخصیت های مهم وارجمند سیاسی کشور تصمیم گرفتند که به خاطر قضایایی مهم کشورشان یک همبستگی ملی ایجادکنند. شاید برنامه های انتخاباتی هریکی ازاین احزاب وشخصیت ها متفاوت باشد ،اما دلهای مان یکی است بنابراین همه باهم تصمیم گرفتیم تادرمورد انتخابات وسایرقضایای عمده ملی مشوره وتصمیم های مشترک وموضوع گیری های واحد داشته باشیم. امروز درمورد فرمان اخیررئیس جمهور وبحران مشروعیت که پس ازاول جوزابه میان میاید صحبت می کنیم.

حاجی محمد محقق عضو شورای ملی ویکی ازشخصیت های سیاسی درپاسخ به سوالی ، احتمال برقراری حالت اضطراروادامه حاکمیت آقای کرزی ،پس ازاول جوزا را رد نموده حالت اضطرار درقانون اساسی کشورمشخص شده است ودلایلی معین دارد که عبارت ازجنگ وحوادث مانند آن وحالاتی است که وظایف عادی حکومت را غیرممکن سازد.درحالیکه چنین حالت متصورنیست بدون موافقه شوری ملی هم امکان ندارد.

بناً وظیفه رئیس جمهور دراول جوزای سال پنجم ختم می شودوبعدآن مشروعیت ندارد.

داکترعبدالله "عبدالله " وزیر خارجهٔ پیشین و یکی از شخصیت های سیاسی کشور، حکومت را به علت عدم فراهم آوری امکانات برگزاری انتخابات مورد انتقاد قرارداده اظهارنمود: خواست تمام احزاب سیاسی ازمدت ها بدین سواین بود که انتخابات مطابق قانون اساسی صورت بگیرد، اما حکومت به صورت قصدی وعمدی هیچ کاری ر ا برای برگزاری به موقع تاریخ انتخابات نکرده است.

فرمانی که دراین اواخر صادرشده است فقط به منظوربرهم زدن وضعییت واغفال کسانی می باشدکه می خواستند درانتخابات سهم بگیرند وبحیث کاندید خود را مطرح کند.عبدالله می گوید: چه مانعی وجود داشت که ازنه ما قبل این تصمیم را جناب رئیس جمهور می گرفت.بار ها رئیس جمهوردرمحضرنمایندگان مردم افغانستان ونمایندگان جامعه جهانی ازبرگزاری انتخابات دراسد ویا میزا ن یاد آوری نموده بود، بنابرین نقض عملی قانون اساسی توسط قوه ای اجرایه صورت گرفته است.

اشرف غنی احمد زی یکتن ازکاندیدهای ریاست جمهوری با انتقاد ازحکومت آقای کرزی گفت: هدف عمده مااین است که انتخابات، بدون استبداد درفضای آزاد انجام شود. اگر رئیس جمهور خواب نمی بودند، ما امروز این مشکل را نمی داشتیم. آیا حکومت ما متن قانون اساسی را نخواند ه است. مسؤلیت حکومت است که ازقانون نظارت کند وآن را عملی وپیاده کند. اشرف غنی افزود، این کاراز طریق پیادهِ کردن قانون انتخابات میسرمی شود.قانون انتخابات پیش بینی کرده که ۱۴۰ روز قبل ازآغازانتخابات برای کاندیداها اطلاع داده شود.

آقای احمدزی افزود،اگریکی ازبازی کنندگان قواعدی بازی ر ادرنیمه بازی تغییربدهد،این بازی عادلانه نیست.

اشرف غنی احمد زی درپاسخ به سوالی که آیاشرکت کنندگان این نشست قراراست که کدام کاندید واحد معرفی نمایند، گفت،معرفی کاندید واحدقبل ازوقت است، آنها دراین نشست مسایل عام وکلی را مطرح می کنند.وی افزود،منافع ملی مایجاب می کندتا درقسمت مسایل مبرم ملی یک موضع واحد گرفته شود.

انوارالحق احدی کاندیددیگر ریاست جمهوری نیز به علت عدم آمادگی برای برگزاری انتخابات ازحکومت انتقاد نموده گفت: حکومت وقت زیادداشت تاسراین موضوع فکرکند،اما نکرد اوافزود،سال گذشته که یک هیئت افغانی در کنفرانس توکیو شرکت می کردوجامعه بین المللی از حکومت خواسته بود تاریخ برگزاری انتخابات را اعلان کند، ما قبل ازرفتن به توکیو ازجناب رئیس جمهور پرسان کردیم که چه وقت انتخابات برگزارمی شود،رئیس جمهور گفت، بعد از بازگشت از توکیو روی این موضوع بحث می کنیم. همچنان پارلمان و دیگر نهادها تقاضای تعیین زمان انتخابات را نمودند اما متاسفانه رئیس صاحب تصمیم به موقع گرفته نتوانست.

احدی افزود اصلاً رئیس جمهور تاریخ عملی شدن انتخابات را پیش از پایان دوره کاری خود عمداً ناممکن وغیرعملی ساختند. به این اساس است که این فرمان رئیس جمهور برای ما قابل قبول نیست. اومی گوید باید ما عبارت قانون ، روحیه قانون ومصلحت عامه را درنظرداشته باشیم.

آقای احدی اضافه کرد،ما کدام مخالفت باقانون اساسی نکرده ایم مسوولیت این بحران به علت تاخیرتصمیم گیری جناب رئیس جمهوربه وجودآماده است.

درپایان برگزارکنندگان این همایش اعلامیه پنج مادهٔ را صادر نمودند که درآن فرمان رئیس جمهور ،مبنی برتعیین انتخابات دربهار سال آینده را رد نموده وازفیصله کمیسیون مستقل انتخابات حمایت خود را اعلام نمودند.

همچنان دراین اعلامیه آماده است که به خاطر حمایت منافع علیایی ملی وتضمین آزاد بودن وعادلانه بودن انتخابات لازم است تایک دیالوگ ملی برای توافق روی میکانیزم دوره انتقالی ازاول جوزای ۱۳۸۷ هجری شمسی بدون اتلاف وقت آغازگردد.

شرک کنندگان این گردهمای باورداشتند که رأی دادن حق مردم افغانستان است وحکومت مکلف می باشد ،شرایط را طوری مساعد سازدکه هرشهروند کشور فرصت آن را داشته باشد ، بایافتن آگاهی وباورکامل به سوی انتخابات برود.

آنهاتصمیم گرفتند الی ختم انتخابات ریاست جمهوری وشوراهای ولایتی به مشورها وتبادل نظر درمورد مسایل مبرم ملی به شکل مستمرادامه بدهند.

گزارش از: نذرالله عنایت

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلامیهٔ مشترک نشست احزاب و رهبران سیاسی در بارهٔ انتخابات

ما اشتراک کنندگان گردهمایی ۱۴ حوت ۱۳۸۷ متشکل از رهبران احزاب و شخصیت های سیاسی فرمان حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان را مورد بحث قرار داده و تصمیم گرفتیم با اتفاق آراء موارد ذیل را اعلام کنیم:

۱- تعیین انتخابات ریاست جمهوری از مدت ها بدین سو مورد توجه افکار عامه بوده است. فرمان رئیس جمهور در این زمینه موجب نگرانی جدی ما گردید زیرا با آن که در ظاهر در آن تمسک به فقرهٔ سوم مادهٔ ۶۱ قانون اساسی صورت گرفته است، بادر نظر داشت این که تصمیم خیلی دیر و در مغایرت کامل با روح قانون اساسی و مادهٔ ۳۳ قانون انتخابات اعلام شده است، باعث تضییع حقوق مردم افغانستان می گردد.

جلالتمآب رئیس جمهور مؤظف بودند از مدت ها قبل ترتیبات مقدماتی عملی لازم را به منظور برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد اتخاذ می نمودند اما این امر به شکل عمدی فروگذاشت شده است که ما آن را نقض آشکار قانون اساسی و قانون انتخابات می دانیم.

۲- ما از صراحت فرمان جلالتمآب رئیس جمهور در مورد پایان وظیفه شان مطابق به فقرهٔ دوم مادهٔ ۶۱ قانون اساسی استقبال می نماییم.

۳- ما پس از غور کافی دلایل ارائهٔ شدهٔ کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان را که بر اساس آن ۲۹ اسد سال ۱۳۸۸ هجری شمسی روز تدویر انتخابات تعیین گردیده است، مورد تأیید قرار می دهیم.

۴- به خاطر حمایت منافع علیای ملی و تضمین آزاد بودن و عادلانه بودن انتخابات، لازم می دانیم یک دیالوگ ملی برای توافق روی میکانیزم دورهٔ انتقالی اول جوزای ۱۳۸۸ هجری شمسی بدون اتلاف وقت آغاز گردد.

۵- به خاطر تحقق حکم مادهٔ ۱۵۷ قانون اساسی و به منظور جلوگیری از هر نوع ابهام و سوء تعبیر در مورد مرجع تفسیر قانون اساسی تأکید می نماییم، تا قانون مستقل نظارت برتطبیق قانون اساسی هرچه زودتر به منصهٔ عمل قرار داده شود.

شرکت کنندگان این گردهمایی باور دارند، رأی دادن حق مردم افغانستان است، حکومت مکلف می باشد، شرایط را طوری مساعد سازد که هر شهروند کشور فرصت آن را داشته باشد تا با یافتن آگاهی و باور کامل به سوی انتخابات برود.

ما تصمیم گرفتیم که الی ختم انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی به مشوره ها و تبادل نظر در مورد مسایل مبرم ملی به شکل مستمر ادامه بدهیم.

انتخابات در ۲۹ اسد برگزار خواهد شد ...

با دقت مطالعه کردیم و دیدیم که تطبیق عملی آن در تاریخ ذکر شده امکان ندارد.

آقای لودین افزود: مشکلات قبلی از جمله مشکلات اقلیمی، امنیتی، بودجه ای ولجستیکی، هنوز حل نشده است.

کمیسیون انتخابات تاکید دارد که " شفافیت و همگانی بودن" از شرایط اصلی مشروعیت انتخابات است و اگر انتخابات قبل ۲۹ اسد برگزار شود، بیم آن می رود که مشروعیت مورد سوال قرار گیرد.

سازمان ملل متحد، با انتشار اعلامیه یی از تاخیر در برگزاری انتخابات افغانستان استقبال کرد و گفت که این مسئله زمینه را فراهم می کند تا انتخابات به شکل شفاف و سراسری برگزار شود.

امریکا، سازمان ناتو و دیگر نهادهای بین المللی از برگزاری انتخابات در ماه اسد حمایت کردند.

احزاب و شخصیت های مطرح سیاسی افغانستان نیز به روز چهارشنبه باتشکیل جلسه در هوتل انترکانتنتال موافقت خویش را با ۲۹ اسد اعلان کردند.

با مشخص شدن تاریخ برگزاری انتخابات در ۲۹ اسد ۱۳۸۸ و با توجه به پایان دوران ریاست جمهوری آقای کرزی در اول جوزا، احزاب و گروه های سیاسی خواهان تشکیل یک دولت موقت گردیده اند که پس از اول جوزا الی آغاز به کار رئیس جمهور جدید، زمام امورکشور را بدست گیرد.

اما آقای کرزی با این طرح مخالفت کرد آماده نیست پس از اول جوزا از قدرت کنار برود.

یا حضرت رسول الله (ص)!

این شعررا به پیشگاه خونین شهدای فلسطین هدیه میدارم تا دین دینی وانسانی ام را دربرابر شان ادا کرده باشم.

فهیم فرند

یا حضرت رسول !
درویش* با ترانهء غمناکی
درگورها
وسایهء ویرانه های قدس
اندوه شصت سال شهادت را
گریه کرد
و با آهی
دیوان های شعرشهادت را
با خود به خاک برد
***
یا حضرت رسول !
فانوس های دهکده های قدس
فانوس های جشن تولد نیست
فانوس های خون شهیدان است
فانوس های شیون و شب زنده داری است
که درروشنی شان
اندام چاک چاک شهیدان را
تابوت میکنند
***
یا حضرت رسول !
شهزادگان تخت بریشم را
ازچارسوی
می بدرد گفتار
بیدار گشتن امر محالیست
حتی
دربطن گرگها
***
یا حضرت رسول !
، به نوک شاخهء یک خرما
ر داد سورهء "زیتون" را
مز قتل عام باغ
سرودی خواند
کز شعله اش
گرفت وگرد
و به خاک افتاد
آفت چه حد بزرگ به خون باغ
آتش چقدر رگ به رگ افتاده
***
یا حضرت رسول !
ترسم که آسمان فلسطینت
بی ماه و بی ستاره بماند
چون هرشب از کرانهء خونینش
ستاره یی
به خاک بیفتد
***
یا حضرت رسول !
از آستان شب
سر برکشیده قافلهء شیطان
بر دستهای شان
بندِ سیاه
و برلب شان
آیت سیاه
تا قفل بر نهند
دروازه های مسجد اقصی را
***
یا حضرت رسول !
اعراب را بشارت بیداری
از نو
ده
ورنه
پیغامدار آیت تاریکی
در راه مسجد است
و سنگ سیاه را
روزی به جانشینی
خورشید
میبرد...
***

یا حضرت رسول !
تا چند در مجاورت دوزخ
شب را
با خواب های آتش و شیطان و سوختن
با صد عذاب
روز نماییم
و فردا را
با خون خویش رنگ بپردازیم
***
یا حضرت رسول !
تقویم سال های سیاه دور
در برگهای تر شده از خونش
جمعیتِ شهید فلسطین را
روزی بنام
– رخصتی مردن –
ترسیم کرده است؟
و آیا
جمعیتِ جنازه به دوشان را
یک دم
توقفی
اندر مسیر جادهء سرخ
شهادت است؟
و یا مردن
ارزانی ایست
تا به قیامت...؟
***
یا حضرت رسول !
ظلم یهود و کفر
لبریز کرده کاسهء صبر زمانه را
در آرزوی صاعقهء خشم و انفجار
– برآستان کفر
سحرگاهی
چون فرقه
های عاد وثمود و لوط –
من پیر گشتم و پدران من
مُردند...
***
یا حضرت رسول !
در مکتب یهود
فرهنگ عشق و واژهء زیبایی
بلبل
بنفشه
باغ
و خلص بهار را
مفهوم دیگریست...
وقتی درختها
در برگ برگ خود
خوناب و زخم را
تحمیل میشوند
در "تل ابیب*" و شهر بد " زخرون *"
نوروز میشود
و یهودی چند
آن روز را به ملک سیاه خود
تجلیل میکنند
***
یا حضرت رسول !
از خون ما درخت یهود وکفر
سیراب تابکی ؟
درآسمان غزه
مرغی به یاد باغچه یی
پر نمی زند

غیر از کلاغها
به درختان سوخته
باغ آتش است
و دود
آه بلند اوست
که پیچد به آسمان
***
یا حضرت رسول !
حین بهار
درباغهای غزه
پاییز آتشیست
که افروخته یهود
بر شاخسار نارون و زیتون
ورنه
پاییز دربهار
نمی آید
***
یا حضرت رسول !
فردا چه وقت میرسد
از درگاه؟
تا رهروان کوچهء خورشیدی فلک
با دشنه های معجزهء ایمان
در کوچه های غزه
فرود آیند
***
یا حضرت رسول !
کی میشود سحر؟
تا آفتاب لطف
فقط یک روز
جای طلای نور
سر های آزمند یهودان را
شمشیر های آخته افشاند
***
یا حضرت رسول !
در اوج تیره گی شبانگاهی
در آسمان ستارهء خونینی
سُو سُو زند ز وحشت تنهایی
تا آفتاب را به طلوع خواند
چون اختران خفتهء بی ننگی
در شام هم
زخواب نمی خیزند
***
ای داغگاه شرق
– انبار سینه های مسلمانان –
درهرکجا که خانهء ویرانیست
من فکر میکنم که
فلسطین است
در سینه های هر چه مسلمان است
ویرانه یی
به نام
– فلسطین سوخته –
آباد کرده یی
در سوگ تو ترانهء خونینی
خواهم گفت
تا با قرائتش
سنگی زنم به گوش کر
خوا ب بردگان
تا با قرائتش
دلهای سخت کاخ نشینان را
در خون کنم
تا خواب های هرزهء ابلیسی

از چشم شان رود
و به بیداری
ایمان بیاورند
***
ای سنگزارهای
همه عالم
بالخاصه
"تل ابیب"
چون سنگ های سوختهء "سجیل"
از بطن خاک تیره
به امر خدای تان
برون آیید
و با زخمی
صد بار سخت تر
از زخم های سنگ "ابابیلان"
بر فرق کفر و کید
فرو ریزید
تا بار دیگری
اندرز جا ودانهء "اصحاب فیل" را
یادی بُوَد
***
ای سرزمین زخمی غزه
ای آسمان سرخ فلسطین
ای کوچه های ساکت رام الله
ای جاده های تیره و تار قدس
ای دوستان بی خبر از مرگ های زرد
که در راه اند
بیباک و بی دریغ
به پا خیزید!
– وحی خدا
– حدیث نبی
– دانش حکیم
در
واژهء قیام
به تفسیر میرسند...
آری
قیام
و بس
***
یا حضرت رسول !
از شامگاه آنطرف دریا
وا می شود
دهان هیولایی
پوزش به مشرق و دُم او
درغرب
با هرنفس دهان نوی
می برایدش
و با هر گام
پای دگر
– بر کار غصب کردن و بلعیدن –
زهدان او
ابلیسگاه کافر و شیطان است
و اندامش
سر تا به پای یکسره پستان است
***
یا حضرت رسول !
بر بستن بلای بدی
این سان
تکبیری!
برکشتن بلای بدی
این سان
شمشیری!

کابل – شامگاه ۵ حوت ۱۳۸۷ خورشیدی ،
دامنهء کوه پنجصد فامیلی خیرخانه
* درویش – اشاره به محمود درویش شاعر بزرگ فلسطین است
* تل ابیب – نام محلی در اسرائیل
* زخرون – نام محلی در اسرائیل

محمد صلي الله عليه وسلم د رحمت استازی



عبدالناصر شفيق
د افغانستان د علومو اکاډمۍ غړی

د نن څخه څوارلس سوه کاله د مخه د اسلام ستر پیغمبر حضرت محمد صلي الله علیه وسلم په داسې حال کې دنیا ته سترګې وغړولې چې نړۍ د پخوانیو پیغمبرانو په لاربښوونو کې د تحریف او لاسوهنو لامله د شرک او جهالت تیارو پوښلې وه. هغه مهال چې آسماني ادیانو (یهودیت او نصرانیت) خپلې اصلي لاربښوونې له لاسه ورکړې او ورکې کړې وې او د دغو ادیانو پیشوا او لاربښود طبقو د خپلو سیاسي او اجتماعي چارواکو سره د ګډوګټو د خوندي کولو او نفسي غوښتنو لاسته راوړلو په منظور د تورات او انجیل رښتیني تعلیمات تحریف کړي او خپلې غوښتنې یې ورننویستې وې: د عربو په جزیره کې شرک جهالت او بت پرستی له خلکو څخه د براهیمي دین پیروي -چې د مکې مشرکانو یې د پیروۍ دعوه لرله - هیره او ورکه کړې وه: کعبه له بتونو ډکه او خلکو یې پرستش کولو. او د عربو په پاتې جزیره، لکه د قرې په وادیو، خیبر او فدک کې یهود میشت ؤ او د مدینې په ځمکه هم د هغوی واک او عقیده حاکمه وه. د روم امپراتوري چې د زمانې په اوږدو کې د یو فرهنګ او واکمنۍ مرکز ؤ هغه مهال (د شېړمې عیسوي پیړۍ په پای کلونو کې) دغه واکمنی هم ،چې د یونان له سقوطه وروسته په ټوله نړۍ کې یو پیاوړی سیاسي ځواک او حکومت ګڼل کېده .د ګډوډۍ ښکار شوې وه او په ټولنیزه او مذهبي توګه د بداخلاقیو او عیش پالنې په مرکز بدله شوې وه: خلکو په کې د ستورو، پرښتو او بتانو لمانځنه کوله او د عیسویت د خپروې دغه مرکز هم خپل تعلیمات له لاسه ورکړي ؤ. دهندوستان په پراخه وچه بودایت له مینځه تلونکی او د برهمیت پیروان پیاوړي کېدل چې دې خلکو هم د خدا پرستۍ پرځای د شرک لیار نیولې وه او په دې خاوره کې د بتانو شمیره (۳۳۰) میلونو پورې رسیدلې وه.

خلاصه دا چې ټوله نړۍ د یو الله د پرستش پرځای د بتانو، لمر، اور، ستورو، ډبرو، ونو، پرښتو او پیریانو عبادت کاوه. په اخلاقي توګه د ځنګل قوانین حاکم ؤ، زورورو به په کمزور ظلم کاوه. تیاؤ او انصاف له نړۍ څخه کډه اخستې وه. د مکې مشرکانو لوڼې ژوندۍ ښخولې او ښځه په ټولنه کې عار او د نارینه سره نابرابره مخلوق ګڼل کېده: چا میراث نه ورکاوه او لا په ډېرو ځایونو کې د حیواناتو په څېر پلورل کېده.

د یهودیت او نصرانیت پیروانو او د هغوي لاربښودانو او راهبانو به قوانین یوازې په هغه چا پلې کول چې له ځانه یې د قانون او احکامو د لیرې کولو لپاره قیمت او رشوت نه لرلو.

نو په داسې حالاتو او د تیارو په تورتم کې د اسلام ستر پیغمبر محمد صلي الله علیه وسلم د بشریت لپاره د الله جل جلاله له لوري د وروستي پیغمبر او د نبوت د سلسلې د آخرنۍ کړۍ په توګه مبعوث شو. دا چې د هغوي د زیږیدنې سره سم د فارس آتشکده مړه شوه او د کسری د ماڼۍ څوارلس کنګرې پرځمکه راپریوتې.

په همدې توګه د هغوي د مبارک میلاد اغیز د ولادت له ورځې څخه پیل شو: ابن سعد روایتوي چې د نبي کریم صلی الله علیه وسلم مور بي بي ؤ یې کله چې وزیږېده نو زما له جسم څخه یو نور ووت او د شام ماڼۍ ګانې یې روښانه کړې.

د اسلام پیغمبر د آمنې بي بي په ګېډه کې یتیم وزیږید: ځکه پلار عبد الله یې له ولادته د مخه وفات شوی ؤ. خو نیکه یې عبد المطلب او بیا د مور یې په شېړ کلنۍ او د نیکه یې په اته کلنۍ کې له وفات وروسته پالنه. د هغه تره ابوطالب ته پاتې شوه. په قریشو کې دغه زیږیدلي ماشوم د ژوند ډیرې تودې سړې وګاللې او د خپلو نیکو اخلاقو او ښو خویونو په برکت یې له کوچنیتوب څخه په پاک نفسۍ، امانت ساتنې او صداقت شهرت پیدا کړ. د اسلام د ستر پیغمبر محمد صلی الله علیه وسلم په غوره اخلاقو او ښو

> **د اسلام د سپیڅلي دین مبارک دعوت وکولای شو چې خلک د انسان، شیطان، کاڼي، بوټي، اور، لمر او ستورو له بندګۍ څخه وژغوري او د کایناتو د یو خالق بندګۍ ته یې راوبلي، د عربو په پراخه جزیره کې یې د اسلام د مبین دین د تعلیماتو په برکت انسان د انسان له غلامۍ څخه ازاد کړ، ښځو ته یې د هغوي عزت او وقار ور وبخښلو او په ژوندۍ توګه د انجونو په ګور کولو له جاهلیت څخه ډک دود او رسم یې مات کړ**

خویونو د اعتراف یوه بېلګه د هغه (صلي الله علیه وسلم) د عمر په پنځه دیرش کلنۍ کې د قریشو لخوا د کعبې د بیا ودانولو پر مهال د حجر اسود په خپل ځای کې د کیښودلو په سر د اختلاف په نتیجه کې .چې چاته دا شرف وسپاري .په هغه صلي الله علیه وسلم باندې د قریشو رضامندي وه: ځکه چې له مخه یې لا په امین شهرت پیدا کړی ؤ.

همدارنګه د امانتدارۍ او صداقت ثبوت په قریشو کې د هغې مالدارې ښځې (بي بي خدیجې) لخوا نوموړې ته د هغې په مالونو باندې د تجارت کولو وړاندیز ؤ-چې پیغمبر صلي الله علیه وسلم ومانه او د تجارت په نتیجه کې د زیاتې ګټې څښتنه شوه، او بیا د هغه د غوره اخلاقو د اغیز لاندې د رتګ لامله یې د اسلام د پیغمبر محمد صلي الله علیه وسلم سره واده هم وکړ. هغه بي بي چې د محمد (صلي الله علیه وسلم) په څلویښت کلنۍ پرې د حرا په غار کې د وحې د نزول وروسته ورته د پیدا شوې پرېشانۍ لامله داډ او تسلي ورکوله او ورقه بن نوفل ته یې د بوتللو او د هغه لخوا محمد صلي الله علیه وسلم ته د نبوت د بشارت ورکولو او دې خبرې د ویلو وروسته .چې پرته هغه ناموس نازل شوی چې په موسی علیه السلام نازل شوی ؤ- له ټولو ړومبی یې پرې ایمان راوړ، او لا دمخه یې د هغه صلي الله علیه وسلم څخه د غم او پریشانۍ د لیرې کولو په منظور په دې عبارت سره مخاطب کړی ؤ چې ته د بې وزلانو مرسته کړې. د هغوي بار په خپله اوږه اخلې. د فقیرانو او تش لاسو خلکو لپاره ښه او بست کوونکی یې. د میلمه عزت کوې او د حق په لیار کې په وړپیښیدونکو مصیبتونو کې د خلکو کمک کوې.

دا هغه څه ؤ چې د پیغمبر صلي الله علیه وسلم په ژوند کې د هغې بي بي او ټول نسانیت وپیژندل: ځکه د اسلام پیغمبر چې کوم دعوت پیل کړ او خلک یې د یو رب بندګۍ ته راوبلل: له شرک، بت پرستۍ، ظلم، خیانت، قمار، زنا، سود او شرابو خوړلو او خلکو څخه یې د بشریت د ژغورلو هغه بلنه آغاز کړه چې د هر انسان د فطرت غوښتنه ده. او د خپل مکي او مدني ژوند په اوږدو کې یې بشریت د نیکمرغۍ لوري ته روان کړ. هغه نارو دودونه او عقاید یې له مینځه یوړل چې انسانیت یې د جهالت په تیارو کې غورځولی ؤ.

د اسلام د سپیڅلي دین مبارک دعوت وکولای شو چې خلک د انسان، شیطان، کاڼي، بوټي، اور، لمر او ستورو له بندګۍ څخه وژغوري او د کایناتو د یو خالق بندګۍ ته یې راوبلي، د عربو په پراخه جزیره کې یې د اسلام د مبین دین د تعلیماتو په برکت انسان د انسان له غلامۍ څخه آزاد کړ، ښځو ته یې د هغوي عزت او وقار ور وبخښلو او په ژوندۍ توګه د انجونو په ګور کولو له جاهلیت څخه ډک دود او رسم یې مات کړ. په لکونو انسانان یې د غلامۍ له کړیو څخه په تدریجي توګه د یوې معقولې تګلارې په خپلولو سره آزاد کړل، مظلوم انسانان یې د اسلام د عدالتي نظام په برکت د خلکو له ظلمونو او غیرتونو څخه خلاص کړل او د کلونو کلونو لپاره د هغه جګړو اور یې ختم کړ چې د مختلفو قومونو او قبیلو ترمینځه بل ؤ. د اوس او خزرج قبیل یې چې له مودو راهیسې دښمنان او یو د بل وینو تږي ته ناست ؤ، سره ورونه کړل. دغه ګردواره بدلونونه د انسانیت د دنیوي او اخروي سعادت لامل شو او د ټول بشریت لپاره د رحمت پیلامه وه. نو په رښتیا هم چې د اسلام پیغمبر د مهربانۍ او رحمت استازی ؤ او د هغه په لاس راغلی شریعت د بشري پرګنو د دنیوي او اخروي نیکمرغیو ضامن دی

به مناسبت میلاد پیامبر بزرگ اسلام

این نور خاموش ناشدنی است

محمد نسیم فقیری

در بارهٔ میلاد و سیرت پیامبر عظیم الشأن ما، بی گمان که هزاران کتاب، مقاله و مطلب در طی سالیان دراز به نشر رسیده است و برخی از اندیشمندان غیر مسمان نیز به عظمت و بزرگی منجی عالم بشریت، اعتراف کرده و اورا ستایش نموده اند....

"این نور خاموش ناشدنی است" یکی از عناوین کتاب گرانبهای "پیامبر" است که زین العابدین رهنما، نویسنده و دیپلومات ایرانی، که خدا اورا رحمت کند، نگارنده آن است که چاپ اول کتاب در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی صورت گرفته و تاآکنون بیش از سی بارتجدید چاپ شده است!

عجیب است که کتابخوانان در اوضاع و احوال مختلف، دارای ذوق و علاقهٔ متفاوت میباشند، گاهی به کتابهای دینی بیشتر رجوع می نمایند و زمانی به کتاب های سیاسی و گاهی به کتاب های علمی و ...

در یک زمان خاص به بحث های سیاسی و آثار سوسیالیستی علاقه پیدا می کنند وزمانی به دموکراسی و لیبرالیسم و...

اما کتاب" پیامبر" در همه اوضاع و احوال خواننده داشته وبارها تجدید چاپ شده است. در تاریخ معاصر ایران که مانند بسا از کشورها دارای فراز و فرودهای بسیار است، علاقه به کتاب خوانی همواره وجود داشته و لی موضوع و محتوای آن در دوره های مختلف سیاسی از هم متفاوت بوده است.

علاقمندان از یکسو به فن نگارش وتصویر گری رهنما توجه داشته اند که اوضاع و وقایع را چه زیبا به تصویر کشیده است و ازسوی دیگر نثر زیبای فارسی معاصر، مشوق خوانندگان هرچه بیشتر این کتاب بوده است.

در ذیل عنوان" این نور خاموش ناشدنی است" آمده است: "بیست و سه سال دورهٔ بعثت محمد که ده سال آن در مهاجرت گذشت و سیزده سال آن در مکه سپری گردید، بنای باعظمتی به وجود آورد به نام آیین محمدی که ماامروز شاهد آن هستیم؛ شاهد این دستگاه با شکوه و این ساختمان محکم اسلامی و این همه قوانین و مقررات.

نور تعلیمات بیست و سه سالهٔ محمد پرتو افگن عقول و مدارک میلیونها و میلیونها افراد بشر در هردوره گردید. این نور هنوز باقی است و هنوز بر دلها و خردها می تابد...

این شعله، خاموش ناشدنی است زیرا پرتو آن، آزادی و پرهیز گاری و عدالت باتمام حقیقت خود می درخشد ونوع بشر اینگونه درخشندگی ها را همیشه دوست دارد." در تحت عنوان"رستاخیز وروز قیامت چگونه است؟" می نویسد:

"این نور خاموش نشد و این حقیقت جاویدان ماند." و این کتاب خواندنی و دوست داشتنی با این جملات پایان می یابد:

"... برای امتی که بد ینسان فکر کند، البته شکست و مرگ وجود ندارد. همین عقاید محکم و آهنین آنها به خلود و حیات ابدیت، باعث فتوحات آنها در زمان پیامبر و در زمان خلفای پیامبر گردید و با این عقاید و افکار محکم و متین بود که بر نیمی از دنیا سلطه ونفوذ پیدا کردند. این نور از فکر وقلب محمد بود و این نور هرگز خاموش نمی شود."

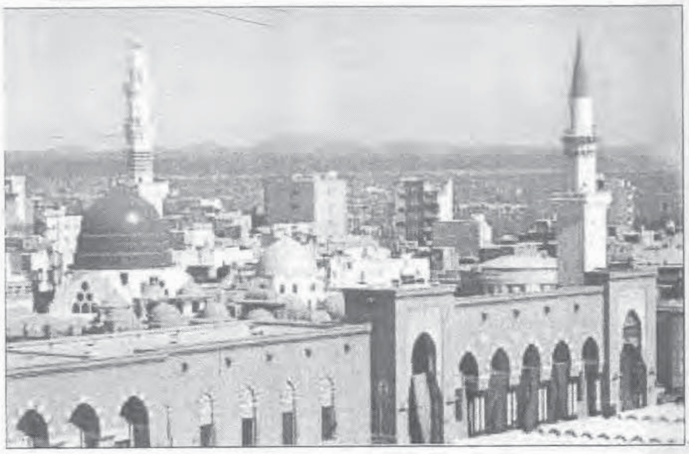
و دنیا امروز که همه سیستم ها و مکتب ها وشیوه های زندگی را تجربه کرده و انسان امروز که تجارب غنی گذشته را باخود دارد و به دنبال پیدا کردن راه نجات است، به کجا خواهد رفت...

همه مکتب ها در صحنهٔ امتحان زندگی شکست خورده اند و همه نظریه ها و شیوه های مطرح شده توسط نظریه پردازان و دانشمندان، کار ساز نبوده اند و یا برای مدتی مردم را به خود مشغول داشته و بعد از صحنهٔ حیات ناپدید شده و به موزیم های تاریخ رفته اند...

تنها نور دین الهی و پیام محمدی است که هرگز خاموش نمی شود و دیروز و امروز و فردا روشنگر راه آدمی بوده، هست و خواهد بود.

بالاخره خستگان هرراه به جستجوی این پیام، چراغ خواهند گرفت. مهدی سهیلی چه زیبا سروده:

تو زنده باش و ببین آنزمان که خسته زهرراه
جهان چراغ بگیرد به جستجو محمد



به پیشواز میلاد تو

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

با حاکمیت پیام تو و در دادگاه های مطیع فرمان تو، علی (رض) یار چهارم تو و فاتح خیبر، یهودی شهروند در نظام تو در محکمه حضور به هم می رسانند و قاضی به نفع یهودی فیصله صادر میکند و شخص باورمند به تعلیمات آئین تو و شهروند منکر باورهای دینی تو مساویانه مورد قضاوت قرار می گیرند.

و تو آنگاه که با سر نیزه عصاچوب خویش هنگام تنظیم صفوف مجاهدین شکم مجاهدی را که آزرده می سازی وهنگام دادخواهی او آماده قصاص می شوی و "السن بالسن والجروح قصاص" را شعار تامین عدالت در نظام مدنی خویش قرار می دهی در نظام های برخاسته از تعلیمات آئین تو- و لو در شکل نا تمام آن- آنگاه که آن معمار خجندی در اثر قطع دستش توسط سلطان مراد- که مسجد ساخته آن معمار طرف پسند او نیامد- به محکمه داد خواهی کرد وقاضی سلطان را به محکمه فراخوانده و با خوانده آیت قصاص "ولکم فی القصاص حیوه" گفت:

عبد مسلم کمتر از احرار نیست
خون شه رنگین تر از معمار نیست

در این وقت است که سلطان آماده قصاص می شود.

پیش قرآن بنده ومولایکی است
بوریا و مسند دیبا یکی است

اما در این عصر ستم شعار و عدالت کشی و داد ستیزی همه افراد خانواده بشری می بینند که اسرائیل صدها نوباوه و پیره زن فلسطینی را در برابر دیدگان سردمداران دموکراسی و منادیان انسان سالاری توسط بم های فاسفوری محظورالاستعمال در جنگ ها، از زندگی محروم می سازد و از غزه، جهنمی به پا می کند و وجدان های بیدار ملت ها در سراسر جهان در جاده ها می ریزند، اما با همه این جنایات بازهم اولین موضوع بالای میزمذاکره فروشاندن بحران غزه، همانا تامین امنیت اسرائیل است و حکومت انتخابی اسرائیل هم همان حکومتی است که بنیاد گرایان و جنگ سالاران در رأس آن قرار گرفته اند و پشتیبانی از این نظام و حکومت جنایتکار، شعارهمه سردمداران این نظام های دموکراسی است.

اما عمربشیر که برای جلوگیری از تجزیه کشور سودان در برابر متمردین جنوب بر خوردار از ازتایید قدرت ذی نفع مقاومت کرده و به پشتیبانی ملت خویش آن را سرکوب می کند، عنوانی مجرم جنگی به او داده می شود او را می خواهند روانه به دادگاه لاهه کنند.

بوش که ملتی را بر بنیاد یک ادعای واهی و دروغین، به خاک و خون کشیده و همه دار وندار آن را به باد فنا می دهند، حرفی در برابرش مطرح نمی شود.

های پیامبری که عنوان پیام تو رحمت به جهانیان بوده و طراح او، آن خدای جاوید و برتر در خطاب به تو و پیام تو فرمود: "ومالرسلناک الارحمة للعالمین" و ما تو را تنها برای رحمت و مهربانی به جهانیان فرستادیم.

امروز جهانیان نیازمند به خوانش گرفتن گلواژه های عدالت، رحمت و مساوات پیام تو اند که نگهبانان سحرو افسون نظم نوین جهانی جهان ما را که در منطق پیام تو به نفع انسان ها آفریده شده اند، برای تامین نیازهای تحکیم نظام طاغوتی خویش به جهنمی تبدیل کرده اند.

همان گونه که برنارد شاو پیش بینی می کرد، «ایمان محمد(تعلیمات او) مورد قبول اروپای فرداخواهد بود» امروز همه نیازمند عدالت و محبت اند که سرلوحه پیام و دعوت تو را تشکیل می دهد.

آری! میلاد تو میلاد عدالت و محبت و برابری است که عصر ما سخت نیازمند آن بوده و هنوزهم پیام تو، پیام عصر ما وعصرهای آینده خواهد بود.

های پیامبر گرامی، های پیام آورهایی از بندها و قیدها!

این «عصر بی سوز و ساز» سخت نیازمند رسالت و پیام رهایی بخش توست که کتاب زنده ات گویای آن بوده آنجا که فرموده است«ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم» سرلوحه آن پیام این مفهوم را می رساند که: از دست و پای اسیران پندارهای باطل، بندها و زنجیر هارا فرو می نهد.

های پیامبرتمامیت بخش مکرمت های اخلاقی!

اگر در قرن پنجم و سال های بعد از آن، اضطراب فکری و نشخوار حقانیت زور و ناتوانی عقل بشر از حل مشکلات جوامع انسانی زمینه ساز طلوع خورشید رسالت تو شد که "اقبال" ظهور میلادت را شباب زندگی و تعبیر خواب زندگی به زمزمه گرفته آن جا که گفته است:

ای ظهور تو شباب زندگی
جلوه ات تعبیر خواب زندگی

اگر در قرن ششم میلادی حیرت و سرگشتگی فلسفه وفلاسفه در تعیین ملاک فضیلت ها و رذیلت ها، جلوه گاه عروس پیام رهایی بخش تو را مهیا و آماده کرده و شمع حیات را در دیجور شام زندگی انسان و انسانیت، بر افروخت.

در جهان شمع حیات افروختی
بندگان را خواجگی آموختی

اگر در قرن ششم میلادی تنازع بی حاصل و پوک خدایان خیروشر بر سرتصاحب روح انسان در چهارچوب دوگانه پرستی و ثنویت، عرصهٔ بود برای چهره نمایی و تجلی پیام یکتا پرستی تو.

اگر در قرن ششم میلادی حاکمیت اندیشه اشتراکی زن و زر، وجدان و ضمیر انسانی را در انتظار فرارسیدن موکب کرامت بخش پیام انسانی تو قرار دارد.

اگر در قرن ششم میلادی بیداد حاکمیت نظام طبقاتی و پرستش گاو و قاذورات و مدفوعات آن در شبه قاره هند و پرستش گرگ سفید در آسیای صغیر ترکیه درد مخاض و زایمان پیام تو را شدت بخشیده و دادار جهان میلاد تو را به بشریت ارزانی داشت.

اگر در قرن ششم میلادی بیداد جاهلیت که درحرب "بسوس" و زنده بگور کردن نوزاد دختان پاک و معصوم چهره زشتش را به نمایش می گذاشت، تولد تو و پیام تو را در مکه با "شق قمر" و "فروریختن ایوان کسری" و مقدم تو را در مدینه با سرود حیات بخش "طلع البدر علینا" (ماه شب چهارده برما تابید) مرحبا گفتند و اقبال گفت:

از دم سیراب آن امی لقب
لاله رست از ریگ صحرای عرب

اما حالا

های پیامبر بشیر و نذیر!

قرنی که ما در آن زندگی می کنیم، همین قرن بیست ویک این قرنی که سرودهای شیطانی حقانیت زور نه تنها درکره زمین طنین انداز است که گوش دیگرستاره ها را نیز می خراشد، سخت نیازمند پیام تو و رهنمودهای انسان نواز و طاغوت ستیز تو است.

قرن بیست ویک این قرنی که عنوان درشت آن را "جنگ تمدن ها" با طراحی "هانتنگسون" تشکیل داده وبرای دوام و پایایی حاکمیت فرهنگ این تمدن آتش و آهن راه اندازی کشتارو ویرانی در بیرون از زادگاه خود، فوکویاما "پایان تاریخ" را نوشته کرد.

قرنی که سردمداران آن فاشیزم را در پوشش نوی بنام دموکراسی پیشکش ستم زدگان آسیا و افریقای محکوم به دیکتاتوری های دموکراسی نمای مؤید ازطرف اربابان نظام فرمان روایی برین جهان کردند که دموکراسی فرا زمانی و فرامکانی آنان هم از این بازی به مبادی آن، به فریاد در آمده است.

آری! عصر کنونی در واقعیت خود همان عصر جاهلیت است که پیام تو بر ضد آن به پا خاست و بزانو در آوردش، اما این جاهلیت، با استفاده ابزاری از علم و نو آوری های علمی، انسان را در مسیر نا معلومی قرار داده است. جاهلیتی که امروز همه افراد خانواده حضرت انسان از پامال شدن کرامت او در زندان های "گوانتانامو" و "ابوغریب" و در کارخانه های پول زای آدمیت کش، به فریاد آمده اند، همین امر است که آنان و فریاد ها نا خشنودی خویش را از طریق تیراندازی ها در پوهنتون ها ودانشگاه ها در امریکا و فرانسه و... به نمایش می گذارد.

این عصربی سوز و سازی که جاهلیت معاصر و وجدان کش را شیرازه بندی کرده همه از سموم آن در پیچ و تاب اند و چه زیبا ترسیمی است ترسیم اقبال از این عصر بی سوز وساز که در چهره نگاری آن گفته است:

من درون شیشه های عصر حاضر دیده ام
اندر زهری که از وی مارها در پیچ و تاب

در همین عصراست که منادیان آزادی بیان و حقوق بشر مخالفان نظام فکری خوش ودگر اندیشان را عنوان تندرو وافراطی و بنیادگرا لقب داده و برای مبارزه برضد بنیادگرایی خود خوانده خویش همایش هایی را در این قاره و آن قاره تشکیل می دهند.

های پیام آور عدالت و مساوات! درودهای بی کران نثار تو و یاران و رهروان تو باد!

دَ شریف کورنۍ په اړه ...

د پاکستان صدر اعظم پدې پريکړه د نظرڅرګندولو پرمهال ويلي چې د شريف کورنۍ پرخلاف د محکمې وروستي پريکړه ورته لويه صدمه رسولې. نوموړي دغه اقدام د جمهوريت لپاره ګواښ ګڼلې او ويلې يې دي چې له دې سره به په پاکستان کې جمهوريت کمزوری شي. د محکمې د دغې پريکړې د اعلان سره سم د مسلم ليګ (ن) ګوند پلويانو ځاې پرځاې مظاهرې او احتجاجي ناستې پيل کړي. د پنجاب ايالت پارلماني غړو د عاجلې غونډه پريکړه وکړه خو چې د ګورنر د واکمنۍ د نافذيدو په بنياد يې د ايالتي پارلمان ودانۍ پرمخ ترلې ومونده نو خپله غونډه يې د سپيکر (رانا محمد اقبال) پر مشرۍ د ودانۍ مخې ته په پوړيو وکړه او ويې ويل چې د پاکستان په تاريخ کې چا د پارلمان ودانۍ ته قلف نه دی اچولی، او زياته يې کړه چې مونږ به د دې سره هم خپلو ناستوته ادامه ورکوؤ.

د مسلم ليګ نواز ګروپ سره دملاتړ په توګه د تيرې پنجشنبې په ورځ د پاکستان په ټولو مهمو ښارونو کې او په ځانګړې توګه په کراچۍ او لاهور کې، د وکيلانو ايوانونو کې پراخې غونډې او مظاهرې وشوې او د وکيلانو اتحاديو (په محاکمو کې د دعوو پيروي) په ټپه درولې وه، په لاهور کې د وکيلانو يوې غونډې ته د جماعت اسلامی اميرقاضی حسين احمد هم وينا وکړه؛ هغه هم د سترې محکمې دغه پريکړه ناسمه بللې او په خپلو لومړنيو څرګندونو کې يې ويلی ؤ چې مونږ نوازشريف ته د ټاکنو پرمهال هم له ټاکنو څخه د مقاطعې کولو وئيلی ؤ چې اوس ښائي نواز شريف په ټاکنو کې د برخې اخستلو په خپله غلطه فيصله پوه شوی وي خو د جميت العلماء مشر مولانا فضل الحمن د پاکستان د ولسمشر أصف علی زرداري سره په يوه کتنه کې د دوارو ګوندو (پيپليز پارټۍ او مسلم ليګ) تر منځه د وساطت وړانديز وکړ چې نوموړی به پدې هکله خپل رول ترسره کړي. دشريف کورنۍ سره د خوا خوږی او ملاتړ په توګه د مظاهرو لړۍ او دهغې اغيز په سرحد ايالت کې هم ځای پرځای ليدل کيده او د بسونو هډې په ډير ځايونو کې بندې وې ځکه نوازشريف د سوداګرو په ټولنو کې پوره اغيز لري او ښائي د هغوي د خواخوږۍ په وسيله د خلکو په ورځنۍ ژوند کې ستونزې او ترافيکی مشکلات راولاړ کړي، کوم کار چې په ټولنيز ژوند کې د ستونزو دراولاړيدو لپاره بنيادی رول لري. دا چې دغه پريکړه به نورې څه اغيزې ولري نو پدې هکله د دې ويره شته چې د پاکستان مرکزي حکومت هم له ګواښ سره مخ شي ځکه په مرکز کې حکومت د نوازشريف په حمايت جوړ شوی ؤ او د ځينو شنونکو له نظره که څه هم د مسلم ليګ (ق) ګوند د پيپلز او د مسلم ليګ (ن) څخه وروسته زياتې څوکی په لاس کې لري خو بيا هم که داسې وشي نو په مرکزي پارلمان کې د څوکيو د شمېر انډول ډير باريک دی، هره شيبه به ئي د حکومت څخه د باور د سلب کيدو ويره موجوده وي، د مسلم ليګ (ق) ګوند ښائي پدې هکله ډير خوښ وي او ورسره يې دبخت ستوري وځليږي خو بيا هم دغه پريکړه د پاکستان د دولت سياسي استحکام او د پيپلز پارټۍ حکومت ته ګواښ پېښولای شی او ښائي چې دغه هيواد يو ځل بيا د ټاکنو لوري ته روان کړي چې په هغه صورت کې به بيا نوي اتحادونه او ايتلافونه مينځ ته راشي البته د محکمې وروستي پريکړه چې په کومه کچه د مسلم ليګ (ق) په ګټه ده، په هماغه کچه د کراچۍ د مهاجرو قومی اتحاد په ګټه هم ده او له بلې خوا نورو وړو ګوندونو لپاره هم ښائي نوي بختونه را اوچت کړي او د جماعت اسلامي ګوند ته به هم په خپل نيولی مؤقف کې قوت وروبخښي چې د تيرو ټاکنو په مهال يې د مقاطعې په توګه خپل کړی ؤ او د نواز ليګ ته يې له مخکې څخه دا وړاندوينه کړې وه. او که کړکيچ اوږد شي نو د دې هم ويره شته چې په پاکستان کې [illegible] بيا د جمهوريت مری خفه او نظامي حکومت مينځ ته راشي.



هشتم مارچ، روز همبستگی زنان جهان

عبدالعلی کوهی استاد دانشکدهٔ ادبیات

هشتم مارچ ، روزبین المللی زنان دوموضوع را دراذهان تداعی می نماید. نخست اعتراف به این که ، یک نوع نابرابری حقوقی ، سیاسی اقتصادی واجتماعی زنان با مردان درسراسر جهان وجود دارد ازجانب دیگربرگزاری این روز ، به مثابه همبستگی زنان جهان، بیانگرمبارزه اجتماعی زنان جهان برای دسترسی به حقوق خویش می باشد. بدون حضورفعال زنان درجامعه ومشارکت گسترده آنها درزندگی سیاسی واجتماعی هیچ کشورنمی تواند به آزادی وعدالت دست یابد. بزرگترین دست آورد حکومت پس ازطالبان درجهت احقاق حقوق زنان کشور، تثبیت وجایگاه زن درقانون اساسی کشوروایجاد وزارت امورزنان درهیئت کابینه می باشد. حضور۶۸ زن درولسی جرگه و۳۲ زن در مشرانوجرگه برای زنان بی سابقه است. درشهرهای بزرگ به ویژه پایتخت کشورتعدادی ازبانوان درادارات دولتی به کارگماریده شدند وزمینه های آموزش وپرورش برای آنها دردانشگاه ها ومکاتب عمومی وخصوصی فراهم گردیده است . دولت ظرف هفت سال اخیرهمواره درجهت خدمت گذاری به زنان سخن می گوید ومدعی است که درجهت طرح قانون محوخشونت علیه زنان ، ارتقای ظرفیت کاری وآگاهی آنها ازحقوق شان کارهای انجام داده وطرح جلوگیری ازازدواج های اجباری وازدواج کودکان را به کاربسته است، اما در حقیقت تحقق این ادعاها را ه درازی درپیش است.

در افغانستان تجلیل از روز هشتم مارچ به یک تشریفات دولتی طی سال های اخیر قرن بیستم تبدیل گردیده است و درسیستم سیاسی کشور، نهاد ملی وبزرگی بنام وزارت امورزنان به مثابه حافظ ومدافع منافع حقوق زنان درکشورعرض وجود نموده است که فعالیت های آن تا کنون درکشورچندان محسوس نمی باشد.

در افغانستان تجلیل از روز هشتم مارچ به یک تشریفات دولتی تبدیل گردیده است و درسیستم سیاسی کشور، نهاد ملی وبزرگی بنام وزارت امورزنان به مثابه حافظ ومدافع منافع حقوق زنان عرض وجود نموده است که فعالیت های آن تا کنون چندان محسوس نمی باشد.

دراستراتیژی وزارت امورزنان سه اصل مهم گنجانیده شده است.

گسترش جندر(تساوی جنسیت)

اشتراک مساعی میان وزارت خانه ها

اقدامات مثبت (تبعیض مثبت)

این وزارت ازداشتن یک پالیسی مشخص درمورد زنان سخن می گوید وخودرا وزارت پالیسی ساز قلمداد می کند وهمواره ارجندر و یا تساوی جنسیت سخن به میان می آورد. همچنان این وزارت ازتبعیض مثبت درمورد زنان حرف می زند واین شعاررا فقط بخاطر محرومیت زنان ظرف سال های اخیرمیداند.

این وزارت فعلاً دارای یک امتیاز است که برای تعدای اززنان بیکارشغل درنظرگرفته است. مردم افغانستان تا به کنون ازاین شعارهای چیزی نمی دانند وزنان کشوزنیز از درک این سخنان عاجزاند، اما دراین شعارها یک سلسه تبلیغات ازسوی خارجیان برای زنان کشوربراه انداخته شده است. درحالیکه زن به مثابه یک افزارسیاسی وتبلیغاتی درکشورهای جهان سوم درنظرگرفته شده است. درافغانستان شماری بدین باوراندکه زنان دررشد اجتماعی ، اقتصادی وفرهنگی کشورحضورگسترده نداشته اند ویکی ازعوامل عقب ماندگی جامعه را ازاین منظر می نگرند. این طرز دید ایجاب بحث های دقیق و همه جانبه را می نماید، اما سخن دقیق این است که جامعه متمدن امروز فقط ثمره دست مردان نیست، بلکه زنان نیز در آن سهم داشته اند. قرآنکریم زن را مکمل شخصیت مردمی خواند وحیات یکی را وابسته به حیات دیگر می داند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: شما نصف دین خود را از عایشه رض به دست آورید. دین اسلام به سهم زنان ومسؤولیت زنان پیام های روشن دارد. در حالی که هایدگر پوپر و سایرین در قرن بیستم بحث فمینسم را به راه انداختند.

قانون اساسی کشور زن و مادر را رکن اساسی خانواده میداند. به یقین وقتی مادر، در خانواده از فضلیت سواد، خبرت وآگاهی برخوردارباشد، تاثیر آن نسبت به پدر به طور مستقیم بالای فرزندان خانواده محسوس است، وقتی این امر را بپذیریم که افغانستان بدون اشتراک زنان نمی تواند گامهای بلند را بردارند ناگزیزیم در جهت رشد کیفی زنان و تعلیم و تربیه آن ها تلاش ورزیم، همانسان که مرد صاحب تخصص گردد زن نیز باید در این راستا تربیه گردد.

در جامعه اسلامی افغانستان باید، این تفکر تقویه گردد که زنان باید مطابق توانمندی فزیکی آن ها، کارنمایند. مثلا کارهای شاقه وتوان فرسا که خلاف کرامت انسانی مادران پنداشته می شود، مانند، کار در معادن و کار در ساختمان های چند طبقه یی، معادن زغال سنگ، در جنگ و محاربه وغیره . تقسیم کار در میان مردان و زنان مطابق به معیارهای جامعه اسلامی باید تنظیم گردد. در مورد تامین حقوق زن و مرد در کشور باید کار زیادی صورت گیرد همچنان در مورد کاهش خشونت های خانوادگی و نگرستن زن به مثابه شخصیت درجه دوم در برخی از مناطق کشور و غیره این دشواری ها را نمی توان به وسیله شعار در جامعه برطرف ساخت، بلکه در جهت تحقق این گونه اهداف کار دوامدار، سطح عالی فرهنگی و آگاهی های حقوقی، دینی برای مرد و زن نیاز است.

بسیاری از دشواری ها در جامعه افغانستان از عدم آگاهی آن ها ناشی می شود. ما پیرامون حقوق زن درکشور دغدغه های زیادی داریم. ازجمله پاره یی از عرف و عنعنات عقب مانده جلو رشد و بالندگی زنان را می گیرد. و با این طرز فکر کهن و غیرعقلانی مبارزه کارآسانی نیست. ایجاب می کند بر انجماد فرهنگی حاکم در برخی از مناطق باید تلاش کرد تا آن را متحول ساخت. زیرا طوری که دیده می شود، پاره یی از عرف و عنعنات جای ارزش های دینی واسلامی ما را گرفته است. با کار و تلاش پیگیر این عرف و عنعنات در اثر تحول پذیری جامعه، نقش رهبری خود را از دست می دهند. و یا به یک عنصر ضد ارزشی و عقب گرا تبدیل می شود. در عقب این عنعنات ضد ارزشی به یقین مادران قربانی می شوند. این چنین مبارزه پیگیر، سراسری امروز طوری که می بینیم از توان وزارت امور زنان که رهبری آن خود به آگاهی، تجربه و رهنمایی نیاز دارد، میسر شده نمی تواند.

در جهت احقاق حقوق مادران و زنان می توانیم از چند ضابطه قابل قبول استفاده نماییم. استفاده از احکام صریح کلام الله مجید و احادیث پیامبر اسلام. قانون اساسی کشور، کنوانسیون ها بین المللی که بشر را بدون تعلقات جنس (مرد و زن) مورد تفقد واحترام قرار می دهد. باید گفت که افغانستان در قوس ۱۳۸۳ هـ مطابق ۲۴ نوامبر ۲۰۰۴ به کمیسیون محو خشونت علیه زنان پیوسته است. مبارزه در جهت محو و کاهش خشونت علیه زنان به یک استراتژی سراسری و پلان ملی نیازدارد. آنچه امروز درمورد حقوق مادران جای امیدواری می باشد، این است که امر تامین این حقوق از سوی مردان تحصیل کرده و روشنفکران افغانستان بیش از زمان دیگر طرفداران زیاد پیداکرده است. زنان افغانستان دردفاع از وطن و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دفاع شجاعانه نموده اند که دراین رابطه"سراج التواریخ" اثر فیض محمدکاتب هزاره تراژیدی های زیادی را ذکرنموده است که نقش زنان کشور در آن برجسته می باشد.

در سال های جهاد ومقاومت زنان افغانستان در مقابل تهاجم اجنبی و استبداد داخلی دفاع کرده اند. زنان درکابل، تالقان، هرات، شبرغان، کوهستان، اشترگرام، فیض آباد، خرم سارباغ، میمنه، سرپل، مزار شریف، دره صوف، بامیان، یکاولنگ، ارزگان، غزنی و ... و از خود شجاعت و مقاومت نشان داده اند.

از نظر بافت اجتماعی، مادراست که به زندگی خانوادگی گرمی و روشنایی می بخشد و خوش بخت خانواده یی است که زنی کاردان، مادری با گذشت، چرخ زندگی شان را با محبت، با ملایمت با تدبیر و فراست به حرکت در می آورد، زن نه تنها شریک زندگی مرد، بلکه بازوی توانا و مرجع امید خانواده خویش است. مقام مادر را باید گرامی داشت، چون او سعادت می آفریند و نخستین مربی و آموزگار زندگی است، ما برای زنان افغانستان روزهای روشن و روشن تری آرزو می کنیم و آینده سرشار از تفاهم و پیروزی و روزگاران آگنده از سرور و خوش بختی ازبارگاه آفریدگار استدعا می نماییم.

چالش های فراوانی ...

البته گاهی تقرر معلمین و ماموران بدون رشوت انجام نمی یابد. همچنانکه در برخی ولایات معاش معلمین مورد دست برد قرار می گیرد.

شیوه های تربیتی و پرورشی در مکاتب بسیار کهنه و غیر علمی است، هنوزهم شاگردان در مکاتب لت و کوب می شوند و مورد تهدید و توهین قرار می گیرند. با معلمان نیز بعضا از سوی اداره و آمران مکاتب، برخورد درست صورت نمی گیرد و فضای اعتماد واحترام در ادرات مکاتب وجود ندارد.

عدم تدریس دانش های مسلکی یکی از نارسایی های نظام معارف افغانستان است، شمار مکتب های مسلکی اندک است و فازغان مکاتب توانمندی پیش برد هیچ کاری را تدارند و نمی توانند جذب بازار کارشوند.

به منظور رفع این دشواری ها و مقابله با چالش ها به بازنگری اساسی و تدوین یک راهبرد جامع برای آموزش و پرورش در افغانستان ضرورت احساس می شود. جلب مساعدت های بیشتر جامعهٔ جهانی، تخصیص بودجهٔ بیشتر برای فراهم آوری امکانات مورد نیاز آموزش و افزایش حقوق معلمان، برای اصلاح نا رسایی های معارف ضرور می باشد. باید وزارت معارف، تغییرات اساسی را در قوانین و لوایح ایجاد کند، آنها را ساده بسازد و از بروکراسی و کاغذپرانی جلوگیری نماید.

افزایش معاش معلمان می تواند تاثیر مثبتی در بلند رفتن کیفیت معارف در افغانستان داشته باشند، افزایش حقوق و معاش، برای معلمان انگیزه ایجادمی نماید و آن ها را قادر می سازد جدیت و احساس مسؤولیت بیشتر داشته باشد، با این کار شماری زیادی از تحصیل یافته گان که در بخش های دیگر دولت کار می کنند یا مصروف کارهای شخصی می باشند، تشویق می شوند و به شغل معلمی روی می آورند، همچنان معلمانی که ساکن شهر ها هستند علاقه مند می شوند به روستاها که با کبود معلمین مسلکی مواجه است، بروند.

رئیس جمهور در افتتاح سال تعلیمی ...

صنوف نهم را به مکاتب تخنیکی و مسلکی بلند ببرد.

بعداً حامدکرزی رئیس جمهور سخنرانی کرد، آقای کرزی گفت: جای بسیار خوشحالی است و این هفتمین سال است که زنگ مکتب را می زنیم و شاگردان به مکتب رو می آورند. و امروز یک تقاضا دارم که خداوند نصیب کند و آن این که در جاهای که زیر حملات تروریست ها اند و مکتب رفته نمی توانند، به مکتب بروند و درس بخوانند. وبه طالبان هشدار داد که، بند کردن مکاتب بزرگترین ظلم و جفا به اولاد این وطن است که باید از آن دست بردارند.

حامدکرزی که روزهای آخری زمامداری اش نزدیک شده است، امسال وعده یی به معارف نداشت. و شاگردان را به احترام و تعظیم به معلمان و معلمان را به درس دادن تأکید کرد و خطاب به معلمان با تکرار گفت، اگر معاش رسید یا نرسید، بازهم درس بدهید و بازهم درس بدهید.

محفل با نواختن زنگ مکتب توسط رئیس جمهور حامدکرزی خاتمه یافت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی و نهم شنبه ۱۷ حوت ۱۳۸۷ - ۱۰- ربیع الاول ۱۴۳۰ - 7 March 2009

با وجود آمار امید وارکننده
چالش های فراوانی پیش روی معارف قرار دارد



عبدالمعین شاهد

به روز پنجشنبه هفته گذشته، با صدا در آوردن زنگ لیسه امانی توسط حامدکرزی رئیس جمهور، سال نو تعلیمی افغانستان آغاز گردید.

رئیس جمهور در سخنان خویش از طالبان تقاضا نمود تا از تخریب مکاتب دست بردارند و بگذارند کودکان افغانستان به مکتب بروند و دانش بیاموزند.

وزیر معارف هم در این مراسم سخنرانی کرد و ارقامی را ارایه نمود که نشانگر توسعه معارف با مقایسه با سال گذشته بود. وی افزود: ۱۱ سال دیگر هیچ کودک افغانستان بیرون از مکتب نخواهد ماند.

برخلاف ارقام امیدوارکننده وزارت معارف، آموزش و پرورش در افغانستان با دشواری هاو چالش های فراوان روبروست.

کیفیت پائین آموزش یکی از چالش هاست، این چالش عوامل گوناگون دارد. شمار زیادی از آموزگاران از دانش و تجربه کافی آموزش برخوردارنیستند، در خارج شهر ها کسانی که از صنوف ۷و ۸ برآمدند و یا به صورت خصوصی خواندن و نوشتن اندک آموخته اند، حتی درصنف های ۱۰ و۱۱ درس می دهند.

وزارت معارف گفته است ۷۷ درصد معلمان از توانمندی تدریس برخوردار نیستند.

در اکثر مکاتب آموزگاران پابندی ندارند و دانش آموزان روزانه دو یا سه ساعت را بدون معلم می گذرانند. کتاب های درسی اشتباهات مسلکی و نگارشی فراوان دارد. در بسیاری مکاتب، کتاب کافی بدسترس شاگردان قرار نمی گیرد.

کمبود مکتب، صنف، ساختمان، کتابخانه ودیگر وسایل آموزشی چالش دیگر معارف است. بنا بر آمار وزارت معارف هم اکنون پنجاه درصد مکاتب در افغانستان ساختمان ندارد، شمار زیادی از شاگردان در زیر خیمه ها، ساختمان های نیمه ویران و در فضای باز درس می خوانند. در اکثر مکاتب شهرها، دانش آموزان از یک صنف در سه نوبت استفاده می کنند که به علت کم بودن زمان هرنوبت، وقت کافی و معیاری برای تدریس وجود ندارد.

بنا بر آمار رسمی وزارت معارف هنوز هم پنج میلیون وسیصد هزار کودک واجد شرایط به تعلیم و تربیه دسترسی ندارند.

نبود امنیت، یکی از چالش های دیگر پیش روی معارف است، در بخشی مهم کشور یعنی مناطقی که مخالفان در انجا علیه دولت فعالیت های مسلحانه دارند، فضای امن برای معلمان و متعلمان وجود ندارد، مکاتب را تخریب و معلمان را می کشند، به روی دانش آموزان تیزاب می پاشندو مردم را تهدید می کنند تا فرزندان شان را به مکتب نفرستند.

طبق آمار وزارت معارف در سال گذشته تعلیمی ۶۵۰ مکتب مسدود شده و ۴۰۰ هزار شاگرد از رفتن به مکتب محروم شده اند.

فساد اداری یکی دیگر از چالش های معارف بوده و اشکال گوناگون دارد، بروکراسی و کاغذپرانی یکی از این موارد است، ادارات وزارت معارف به علت قوانین و لوایح دست و پاگیر، نمی توانند به درخواست های شاگردان واولیای آنان به موقع رسیدگی کنند، مثلا گرفتن سه پارچه و یا شامل شدن کودکان مهاجرین بازگشته، روزها و حتی هفته ها وقت می گیرد که باعث ضیاع وقت مراجعین و مامورین معارف می گردد. **ادامه درص۷**

رئیس جمهور در افتتاح سال تعلیمی جدید معارف خطاب به معلمان:
اگر معاش رسید یا نرسید، بازهم درس بدهید و بازهم درس بدهید

ثامر

روز پنجشنبه ۱۵ حوت در محفلی که به مناسبت آغاز سال تعلیمی جدید و به صدا درآوردن زنگ مکتب از جانب وزارت معارف در لیسهٔ امانی دایر گردیده بود، حامدکرزی رئیس جمهور و فاروق وردک وزیر معارف، سخنرانی نمودند.

فاروق وردک وزیر معارف کارکردها و فعالیت های سال جاری را برشمرد و این سال را سال نکو و پرسعادت خواند، پلان و برنامه های سال ۱۳۸۸ آن وزارت را چنین پیشکش کرد.

وزارت معارف در سال ۱۳۸۸ بیشتر از دوازده هزار مکتب برای تدریس و آموزش، بیش از هفت میلیون شاگرد اناث و ذکور تحت نظر ۱۷۰,۰۰۰ معلم ذکور و اناث در سراسر افغانستان خواهد داشت. تعداد شاگردان اناث در مکاتب نسوان (۲.۵ میلیون) دختر خواهد رسید.

۱۶۰۰ شعبه درسی جدید ایجاد و ۱۲۰۰ باب مکتب تحت تعمیر و یا ترمیم اساسی قرار خواهد گرفت. تعداد شاگردان تعلیمات تخنیکی و مسلکی از ۱۶۰۰۰ به ۲۴۰۰۰ و تعداد شاگردان تعلیمات اسلامی از ۱۰۶,۰۰۰ به ۱۲۳۰۰۰ و تعداد شاگردان دارالمعلمین ها از ۳۲۰۰۰ به ۷۰۰۰۰ افزایش خواهد یافت. تعداد مراکز سواد آموزی از ۱۰۰۰۰ به ۲۰۰۰۰ مرکز، توسط ۳۲۵۰ معلم سواد آموز صورت خواهد گرفت و ۵۰۰,۰۰۰ متقاضی سواد را تحت پوشش قرار خواهد داد.

آنچه در سخنان وزیر معارف تازگی داشت توجه به آموزش های مسلکی بود. وی گفت: وزارت معارف تلاش مینماید تا مطابق به معیارهای جهانی و نیازمندی های کدری جامعه، فیصدی جلب و جذب فارغین **ادامه درص۷**

د شریف کورنۍ په اړه
د پاکستان د سترې محکمې وروستۍ پریکړه

شفیق

د محکمې وروستۍ پریکړه چې په کومه کچه د مسلم لیگ (ق) په گټه ده، په هماغه کچه د کراچۍ د مهاجرو قومي اتحاد په گټه هم ده او له بلې خوا نورو وړو گوندونو لپاره هم ښائي نوي بختونه را اوچت کړي

***

که کړکیچ اوږد شي نو د دې هم ویره شته چې په پاکستان کې یو ځل بیا د جمهوریت مرۍ خفه او نظامي حکومت مینځ ته راشي

د پاکستان د سترې محکمې یو دري کسیز کمیسون –چې له شپږو میاشتو راهیسې یې د شریف کورنۍ لخوا په تولټاکنو کې د گډون کولو لپاره د اهلیت په دوسیه باندې کار کاوه –د چهارشنبې په ورځ خپله پریکړه اعلان کړه چې له مخې یې دشریف کورنۍ غړي هریو: نواز شریف، شهباز شریف او حمزه شریف د موجوده پارلمان غړیتوب نه لرلای شي او نه هم په راتلونکي تولټاکنو کې دکاندیدۍ ورتیالري.

دا پریکړه د پاکستان په نږدې سیاسي تاریخ کې یوه د اهمیت وړاو بې سارې پریکړه ده چې ښایې ورسره دپاکستان موجوده حکومت ته، او هم په مجموع کې د دغه هیواد دولتي ارگانونو ته ستري ستونزې رالاړې کړي.

د پاکستان دسترې محکمې تاکلې شوي دري کسیز کمیسون په داسې حال کې دغه پریکړه کوي چې له یوې خوا د پاکستان په اوسني دولت باندې د "اوباما" د حکومت لخوا د طالبانو او القاعده دټکوني لپاره پرله پسې فشار دی. د کوم لامله یې چې ځو ورځې وړاندې په ملاکنډ او سوات کې د برلاسو طالبانو و اسلامي شریعت د غوښتونکي تحریک یعني نفاذ شریعت له خوځښت سره یوه معاهده لاسلیک کړې او له بلې خوا مرکزي حکومت د یو لوي درز له احتمالي گواښ سره مخ دی، خکه د دغه هیواد مرکزي حکومت که څه هم د نواز شریف کورنۍ پکې ونډه نلري د پاکستان د خلکو گوند لخوا د نوازشریف د مسلم لیگ گوند په ملاتړ جوړ شوی دی او د پنجاب ایالتي حکومت چې د نوازشریف ورور شهباز شریف یې لومړي وزیر ؤ او دغه حکومت د پاکستان په ایالتي حکومتونو کې له ټولو مهم او لوي حکومت وي. د سترې محکمې د وروستۍ پریکړې په سپیره له مینځه ولاړ او پرځای یې دگورنر (والي) واکمني حاکمه شوه خو د پنجاب د ایالتي حکومت ختمیدل وړه خبره خکه نده چې د پنجاب په ایالت کې تل دمسلم لیگ واکمني وي. د مشرف د پخواني نیمه پوځي حکومت پر مهال هم په پنجاب کې دمسلم لیگ حکومت ؤ او چوهدري پرویز الهی یې لومړي وزیر ؤ هغه چې دپخواني صدر اعظم شجاعت حسین کشر ورور ؤ: دغه دواړه د نواز شریف د گوند پرخلاف دمسلم لیگ د قائد اعظم گروپ مشران دي چې مشرف د نوازشریف پرخلاف را اوچت کړي ؤ و په تیرو ټاکنو کې یې د نوازشریف په وړاندې ماتې خوړلې وه، نو له دې پلوه هم د نواز شریف گوند او په ځانگړې توگه "شهبازشریف" ته د سترې محکمې دغه وروستۍ پریکړه په هیڅ صورت د منلو وړنده.

د دې پریکړې له اعلان سره سم دنوازشریف وکیل اکرم شیخ په خپلو لومړنیو څرگندونو کې د آصف زرداري گوند "د پاکستان د خلکو گوند" په دې تورن کړ چې دسترې محکمې قاضیان یې په وروستۍ پریکړه مجبور کړیدي او دا کار له مخکې څخه یو پلان شوی عمل ؤ. پخپله نوازشریف په شیخو پوره کې په یوه وینا کې وویل چې څو خلې له ما څخه وغوښتل شو چې د پخوانیو قاضیانو د بیا ټاکنې او په حال کیدو له غوښتنې څخه تیر شم. کوم کار چې د بې نظیربوتوغوښتنه و آرمان هم ؤ. نو د سترې محکمې موجوده قاضیانو خمه څخه دغیچ اخستلو په منظور دا پریکړه کړې ده خو د پاکستان د خلکو محکمه به ډېر ژر دغه پریکړه ماته کړي: ځکه دولس پریکړه د نړۍ تاریخونه هم بدلوي **پاتې پر ۶مخ**